

رباعی؛ عرصه تفکر و شهود شاعرانه

حمیدرضا حامدی، شاعری ست جوان با زبان شعری پخته و گیرا، هم در غزل، آثار خوب و زیبایی دارد و هم در قالب رباعی و دو بیتی؛ شاید یکی از دلایل جذاب بودن رباعی‌هایش، گنشته از تفکر و شهود شاعرانه و همچنین ضربه مصرع پایانی، این باشد که مصراع‌های اول تا سوم هم حرفی برای گفتن دارند و مثل بسیاری از رباعی‌ها، فقط نقش مقدمه را بازی نمی‌کنند.

مسیر

هرگاه به شوق عشق راه افتادم

در راه هوس به اشتباه افتادم

تغییر مسیر دادم از عشق به عقل

از چاله در آمدم به چاه افتادم

جواب

با آمدنش به هستی‌ام معنا داد

افسوس که رفت و وعده فردا داد

آن زاده اضداد، سرش پایین بود

وقتی که به من جواب سربالا داد!

دانه و دام

با عشق به فکرهای خام انداخت

در محضر عقل از احترامم انداخت

صیاد لبث به نقطه ضعفم پی برد

با دانه خال خود به دامم انداخت

● حمیدرضا حامدی

یک مصرع شاه بیت عالم...

تجربه‌های «بیژن ارژن»، آفاق گسترده‌ای را فراروی رباعی معاصر گشوده است.

این سه رباعی، از دفتر «رنگ انار» انتخاب شده است که شعرهای زهرایی و آیینی او را دربرمی‌گیرد.

نگاه‌های تازه، مضامین نو، و کشف و استفاده از ظرفیت‌های پنهان و آشکار قالب رباعی، از ویژگی‌های این رباعی‌هاست.

(۱)

راه

دادند به حکمت و به لطفی به شما

از این همه سوره، سوره کوثر را

کوتاه‌ترین سوره قرآن - یعنی

کوتاه‌ترین راه رسیدن به خدا

(۲)

چون آه

چون آه شکسته‌های بی‌بال و پریم

چون راه، همیشه در مسیر گذریم

هرچند شکسته‌ایم، مانند نماز

پهلوی تویم، هرکجا در سفریم

(۳)

شاه بیت عالم

انگار گل سفید مریم گم شد

یا خاتم بی‌بدیل خاتم گم شد

یک قاطمه بود و یک علی - قاطمه رفت

یک مصرع شاه بیت عالم گم شد

● بیژن ارژن



در بی نهایت

سلسله مباحث علامه
مصباح یزدی (دام ظلّه العالی)

* توجه و تعمق در رفتار و گفتار و کردار امام می‌تواند برخی ابعاد معرفتی شخصیت ایشان را تا حدودی روشن سازد. اگر سخنان و نوشته‌های ایشان را بنگریم، چهار واژه «خداوند تبارک و تعالی»، «اسلام»، «قرآن» و «اهل بیت» را در آن‌ها پربسامدتر می‌یابیم. از همین‌ها می‌توانیم بنیادهای شخصیت ایشان را دریابیم.

* امام خمینی (ره) در زمانی قیام کرد که بخش عظیمی از معارف و وظایف اجتماعی اسلام متروک شده و به صورت منکر درآمده بود. آدم متدین خوب این بود که اصلاً حرف سیاست نزنند و نه بشنوند و نه عمل کند. اگر در یک مسجدی مسأله سیاسی مطرح می‌شد مقدسین اظهار می‌کردند آقا حرف دینا را در مسجد نزنید، چه بسا حرف چک و سفته اشکالی نداشت حرف دنیا نبود اما وقتی حرف سیاسی در مسجدی گفته می‌شد، می‌گفتند حرف دنیا را در مسجد نزنید، کراهت دارد. در یک چنین شرایطی خدای متعالی بر ما منت گذاشت و یک مرجع تقلید عظیمی را مبعوث فرمود که این بخش فراموش شده دین را به خاطر مردم بیاورد و به همه بفهماند که این یکی از بزرگ‌ترین واجبات است؛ نه تنها منکر نیست، معروف است بلکه از بزرگ‌ترین واجبات دینی است. در واقع، آن وضع نتیجه فعالیت‌هایی بود که مدت‌ها استعمارگران برای تفکیک دین از سیاست و به اصطلاح سکولار کردن جامعه انجام داده و نتیجه گرفته بودند. خدا بر ما منت گذاشت مرجع تقلیدی را مبعوث فرمود که با این فکر شیطانی مبارزه کند و ریشه این شبهه شیطانی مخرب و کشنده را از جامعه ما براندازد. این کار آسانی نبود، موفقیت امام در این کار چیزی شبیه معجزه بود.

* عقیده بنده این است که لااقل در قرن اخیر هیچ شخصیتی در نیا به عظمت امام وجود نداشت؛ لااقل در قرن اخیر، اگر جرات داشته باشم و مطالعاتم بیش‌تر باشد می‌توانم بگویم در چندین قرن مردی به عظمت امام روی کره زمین به وجود نیامد. دوست و دشمن اعتراف به شخصیت و عظمت ایشان می‌کنند. وقتی امام می‌خواست برای بسیجیان چند کلمه صحبت کند رئیس جمهوری آمریکا برنامه‌اش را قطع می‌کرد جلسه‌اش را تعطیل می‌کرد ببیند امام چه می‌گوید. عظمت از این بالاتر می‌شود؟

* امام، قهرمان مبارزه با سلطنت استبدادی بود. قهرمان مبارزه با استعمار و به ویژه قلدز بزرگ و شیطان بزرگ آمریکا بود. همه مردم، امام را با این صفات می‌شناسند اما آیا در عالم کسی قهرمان مبارزه با استبداد نبوده است؟ در سراسر جهان کشورهای مختلفی قهرمان مبارزه با استعمار هستند و قهرمانان بزرگی دارند؛ پس چرا آن‌ها موفق نشدند یک حرکت جهانی به وجود آورند و یک ایندولوژی پایاپای و پویا و رو به رشد را بنیان نهند. بلکه روز به روز حکومت و بینش آن‌ها راه زوال را طی کرد؟ ویژگی امام صرف مبارزه با استبداد نبود، ویژگی امام چیزی بود که ریشه این حرکت‌ها را تشکیل می‌داد؛ او تنها راه تکامل و سعادت انسانی را تقرب به خدا می‌دانست و انجام تکالیفی که خدا برای او تعیین کرده است.

* امام خمینی، بزرگ‌ترین خدمت را به انسان‌ها داشت. او مردم را بیدار کرد که کجا هستند و کجا باید بروند؟ فرمود خود را بشناسید و نیروهای خود را درک کنید و به خدوتان آگاه باشید. بفهمید برای چه آفریده شده‌اید و باید کجا بروید، توانش را دارید و بدانید دشمن چگونه شما را منحرف می‌کند؟ این را با اعتقاد قلبی خودم می‌گویم با شعار نمی‌گویم. احتیاجی به این شعار دادن‌ها ندارم. از عمق دل می‌گویم که بزرگ‌ترین خدمت را به جامعه ما کرد که مردم ما را هوشیار کرد همان کاری که انبیاء کردند.

* آیا شما می‌توانید در عالم اسلام بعد از رسول الله تا امروز یک نفر عالم را معرفی کنید که این قدر در دنیا عظمت یافته باشد؟ من و شما در این جا هستیم و نمی‌توانیم و خبر نداریم او چه عظمتی دارد؟ بنده سال گذشته سفری به آمریکای لاتین داشتم و به کشور کوبا هم رفتم، می‌دانید که کشوری مارکسیستی است. در ملاقاتی با روسای دانشگاه آن جا یکی از استادان مسیحی آن جا بلند شد و بعد از خوش آمدگویی گفت: من در طول عمرم به عنوان یک محقق تاریخ، دوست داشتم هم درباره پیغمبر اسلام تحقیق کنم و هم درباره عمر خیام، ولی حالا مدتی است که می‌خواهم در مورد یک شخصیتی تحقیق کنم که عالم را تکان داد. سپس احساساتی شد و درست نمی‌توانست حرف بزند و گفت که می‌خواهم درباره امام خمینی تحقیق کنم. بعد گفت که من یک خواهش از شما دارم که یک قرآن به زبان اسپانیولی به من بدهید. منظورم این است که در کوبا که یک کشور مارکسیستی است و سال‌ها با دین مبارزه کرده‌اند یک پرفسور پیرمرد محقق و استاد تاریخ، وقتی درباره امام صحبت می‌کند دست و پایش را گم می‌کند آن چنان احساساتی می‌شود که نمی‌تواند حرف‌هایش را درست بزند. این عظمت را در عالم اسلام از اول تا حالا در چه کسی سراغ دارید؟ آن اخلاص، گذشت، تواضع، آن تسلیم در مقابل امر خدا و واگذار کردن مقام خود به دیگران، این عظمت و رفعت را به دنبال دارد.